

## زبان‌شناسی زیست‌محیطی گفتگویی با دکتر فردوس آفاگل‌زاده

(استاد گروه زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس)

مصاحبه و تنظیم: زهرا اسماعیلی متین<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

زبان‌شناسی زیست‌محیطی از حوزه‌های میان‌رشته‌ای نسبتاً جدیدی است که به مطالعه رابطه میان زبان و محیط زیست می‌پردازد، و به طور خاص نحوه بازنمایی جهان طبیعت در قالب زبان را مورد تجزیه و تحلیل انتقادی قرار می‌دهد. در همین ارتباط، متن زیر گفتگوی کوتاهی است با استاد ارجمند جناب دکتر فردوس آفاگل‌زاده، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، به بهانه انتشار کتاب زبان‌شناسی زیست‌محیطی: زبان، محیط زیست، و داستان‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم<sup>۲</sup> (۱۳۹۵، نویسه پاریسی)، تا در مورد ظرفیت‌های بالقوه این رشته در پرداختن به مسائل زیست‌محیطی بیشتر آگاه شویم.

### ۱. زبان‌شناسی زیست‌محیطی چیست و چه تعریفی دارد؟

زبان‌شناسی زیست‌محیطی (*ecolinguistics*) یک حوزه میان‌رشته‌ای است که از یک طرف با زبان و از طرف دیگر با مسائل محیط زیست ارتباط پیدا می‌کند. دانشی است از نوع زبان‌شناسی، یعنی آنچه که در زبان‌شناسی می‌گذرد؛ یعنی معناشناسی، نحو، ساخت‌واژه، آواشناسی و واج‌شناسی، تحلیل گفتمان و کاربردشناسی. این دانش در اصل رشته‌ای است که در خدمت مسائل مربوط به رشته‌های علوم زیست‌محیطی قرار می‌گیرد که معمولاً در دانشکده‌های فنی-مهندسی تعریف شده است، و با توجه به نوع کار آن با مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گره خورده است. در این دانش، به اصطلاح زبان‌شناسی میزبان است و محیط زیست به عنوان میهمان، و این دو با هم

<sup>۱</sup> E-mail: [esmailmatinz@yahoo.com](mailto:esmailmatinz@yahoo.com)

<sup>۲</sup> Ecolinguistics: Language, Ecology, and the Stories We Live By

می‌توانند در خدمت حل معضلات و مشکلاتی از قبیل آلودگی‌های هوا، فضا، دریا و هر آنچه که به نوعی محیط زیست را تهدید می‌کند باشند.

## ۲. علم زبان‌شناسی چگونه می‌تواند با مسائل زیست‌محیطی ارتباط پیدا کند؟

مسائل زیست‌محیطی از هر نوع که باشند، مثلاً تدوین یک سری قوانین و یا تشکیل کنوانسیون‌ها و قواعد و قوانینی برای بهره‌برداری از طبیعت که در رشته‌ای دیگر اتفاق می‌افتد، و یا در کنوانسیون‌های بین‌المللی اتفاق می‌افتد، تا مسائل روزمره‌ای که کلان‌شهری مثل تهران یا کلان‌شهرهای دیگر با آن درگیرند، از قبیل ریزگردها، آلودگی هوا، آلودگی دریا و آلودگی فضا و هر آن چیزی که انسان برای زندگی سالم و یک محیط سالم احتیاج دارد، در قالب زبان نمود ارتباطی پیدا می‌کنند. محیط زیست تحت تأثیر عوامل مختلف آلوده می‌شود و در نتیجه زندگی و سلامتی انسان را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در همه این‌ها ما هنوز در بحث مسائل غیرزبان‌شناختی هستیم؛ همه این‌ها تا زمانی که در سکوت است یا در اذهان است و عملاً اتفاقی در کوچه، خیابان، شهر، محیط فیزیکی و محیط پیرامون نیفتاده است هنوز موضوعیت پیدا نمی‌کند. اما زمانی که یکی از این‌ها آسیب می‌بیند و به تبع آن به موجودات موجود در کره زمین آسیب می‌رسد و همه این‌ها به صورت یک شبکه هستند که انسان هم به عنوان موجودی که بر روی این کره در حال زندگی است تحت تأثیر همدیگر هستند و همه درگیر قضیه می‌شوند و در نتیجه نمود آن در محیط اطراف و بافت فیزیکی به وجود می‌آید، و نمود زبانی پیدا می‌کند؛ خواه به صورت زبان‌گفتاری و خواه به صورت زبان‌نوشتاری؛ خواه در قالب ماده تبصره‌های کنوانسیون‌ها که مربوط می‌شود به قوانین مرتبط با استفاده یا سوءاستفاده از طبیعت یا ماده تبصره‌های مربوط به قانون اساسی یک مملکت که مربوط می‌شود به مسائل محیط زیستی؛ یا هر آنچه که روزنامه‌ها و کتاب‌ها به صورت زبان‌نوشتاری می‌نویسند؛ این گونه‌ای از نمود زبانی است و از اینجا زبان‌شناسی وارد عمل می‌شود.

یک بخش دیگر که هنوز نمود زبانی کتبی پیدا نکرده نمود شفاهی دارد؛ مثلاً تمام مسئولین و یا افراد عادی‌ای که از این چیزها رنج می‌برند یا ذی‌نفع هستند. زمانی که محیط زیست آسیب ببیند این‌ها هم متضرر می‌شوند؛ این‌ها بخشی از نمود زبانی‌شان به صورت گفتاری است. پس زبان دو نمود زبان‌شناختی دارد، یعنی خواه به صورت گفتاری خواه به صورت نوشتاری، که مربوط به مسائل

محیط زیست می‌شود. از زمانی که به صورت گفتاری یا نوشتاری مطرح شود پای زبان‌شناسی به میان می‌آید؛ یعنی در اصل مسائل محیط زیست نمود پیدا نمی‌کنند مگر در حالتی که به صورت گفتاری یا نوشتاری به صورت گزارشی در قالب سخنرانی یا مقاله‌ای نمود پیدا کنند، و اینجا یعنی ورود زبان‌شناسی به حل مسائل زیستی.

### ۳. به نظر شما اهمیت این میان‌رشته‌ای در چیست و چه کاربردهایی دارد؟

زبان‌شناسی به صورت خرد و کاربردی چگونه می‌تواند کمک کند؟ زبان‌شناسی می‌تواند از طریق همین دو گونه زبانی نوشتاری و گفتاری تمام ابزارها، رسانه‌ها به صورت رادیو، تلویزیون، شبکه‌های اجتماعی، مطبوعات و هر آنچه که هست، وارد عمل شود. زبان به صورت گفتاری و نوشتاری زمانی که به کار برده می‌شود برای خودش یک نظامی دارد که این نظام زبانی به صورت آوایی اگر باشد طبیعتاً پای آواشناسی و واج‌شناسی به میان می‌آید و در واقع زبان گفتاری از این بخش زبان استفاده می‌کند. اگر به صورت نوشتاری باشد قطعاً پای مسائل مربوط به آیین نگارش و نوشتار در میان است. ولی چه گفتاری و چه نوشتاری، زبان مشکل است از اینکه ایده‌ای پشت آن است که این ایده که در فکر یک فرد، در پس یک جامعه یا یک فرهنگ قرار دارد در رابطه با محیط زیست در قالب کلمات، اصطلاحات، عبارات و در قالب جملات و پاراگراف‌ها و در نهایت در قالب یک گزارش یا یک گفتگو نمود پیدا می‌کند. خواه صد در صد علمی باشد و در یک کنفرانس علمی مطرح شود، خواه گزارشی باشد از سیل در منطقه گلستان در تلویزیون یا روزنامه. پس این‌ها زمانی که نمود پیدا می‌کنند در قالب درس‌های زبان‌شناسی نمود پیدا می‌کنند. این در اختیار کسی نیست جز زبان‌شناس. نه رشته تخصصی ادبیات فارسی است نه رشته تخصصی آموزش زبان، بلکه مشخصاً از درس پایه و بنیادی زبان‌شناسی است که زبان‌شناس با استخدام درست و مناسب این‌ها می‌تواند با قرار دادن آن در اختیار مردم و مسئولین به سمت یک فرهنگ‌سازی پیش برود؛ یعنی آنچه که زبان‌شناس می‌تواند به عنوان یک کار اساسی انجام بدهد این است که فرهنگ‌سازی کند و مسئله محیط زیست را مسئله عمومی کند، مسئله افراد عادی گرفته تا مسئولین. به خاطر همین حتی از مرز ملی هم فراتر می‌رود. چگونه این کار صورت می‌گیرد؟ با ایجاد و ابتکار عملی که از استخدام کلمات و واژه‌ها و عبارات و در نتیجه جملات به دست می‌آورد، می‌تواند یک گفتمانی را به وجود بیاورد؛ یعنی از جملات استعاری

استفاده کند که، برای مثال، در کتب درسی سطوح مختلف، نشریه‌های سطح پایین‌تر گرفته تا هر دوره‌ای برای خودش، دوره‌ی راهنمایی، دوره‌ی دبیرستان، دانشگاه و جاهای تخصصی، این گزاره‌هایی که به صورت استعاره تعریف کرده است را در لابه‌لای کتب درسی، برنامه‌های رادیو تلویزیون در قالب فیلم و سریال طوری بگنجانند که این کم‌کم برای مردم فرهنگ بشود که محیط زیست را بخشی از سلامتی خودشان بدانند. وقتی می‌گوییم جنگل‌ها شش‌ها و ریه‌های کره‌ی زمین هستند در اصل یک جمله‌ی استعاری را به کار می‌بریم که محیط زیست را یک موجود زنده فرض کرده‌ایم؛ موجود زنده‌ای که حق حیات دارد، که شما نباید به خودتان اجازه دهید به حیات آن تجاوز کنید. حیات دیگری که حیات شما وابسته به آن است. پس اینگونه می‌شود با ایجاد عبارات، جملات و با ساخت‌های نحوی خاص با معناهای خاص و با در کنار هم گذاشتن این‌ها ایجاد یک تفکر کرد که در نهایت یک گفتمانی را به وجود بیاورد، و این گفتمان به همراه خودش فرهنگی را پدید بیاورد که محیط زیست و حفظ محیط زیست را، و برخورد مسئولانه کردن برای حفظ محیط زیست را، از مسائل لاینفک افراد عادی و مسئولین در رابطه با محیط زیست بدانند.

۴. با توجه به اینکه در حال حاضر در سیاست‌گذاری‌های کشورهای در حفظ منابع محیط زیست به زبان‌شناسان مراجعه نمی‌شود و نوعی غفلت از قابلیت‌های زبان‌شناسی وجود دارد، فعالیت در این حوزه را چقدر مفید می‌دانید؟

عدم استفاده‌ی مسئولین از تخصص زبان‌شناسان برای ایجاد یک فرهنگ بنیادی جهت نجات محیط زیست و یا مسائل مبتلا به جامعه ما از جنس زیست‌محیطی، برمی‌گردد به عدم آگاهی مسئولین از اینکه این رشته چه توانایی‌هایی دارد. آن‌ها شاید به طور جدی به دنبال حل مسائل باشند، اما سر از جاهایی درمی‌آورند که ممکن است آنجا متخصص مورد نظر را پیدا نکنند. پس در بدو امر به نظر من شناساندن این رشته و توانایی فارغ‌التحصیلان این رشته به مسئولین، مسئولی که مستقیماً در این قضیه مسئولیت دارد، حائز اهمیت است. مثلاً با شرکت در کنفرانس‌هایی که محیط زیست برگزار می‌کند بگوییم که ما هم هستیم، ما این بخش کار را می‌توانیم انجام بدهیم. اگر یک مهندسی مثلاً می‌تواند با ایجاد یک سیستمی در یک جا تغییری ایجاد کند، ما می‌توانیم طرز تفکر و فرهنگ افراد جامعه را نسبت به محیط زیست به گونه‌ای که باید باشد ارتقا دهیم، و در نتیجه دیگر چنین مواردی

پیش نیاید که مهندس مجبور شود کاری کند؛ درست مثل پیشگیری که قبل از درمان است، اهمیت این رشته نیز به خاطر این مسئله است و کارهای زبان‌شناس پایه‌ای است. مسئله و راه حل بعدی، برگزاری کنفرانس‌هایی توسط خود زبان‌شناسان است و اینکه از افراد مسئول دعوت کنیم؛ با این کار ما می‌توانیم عملاً مسئولین را از چنین علمی و توانی که در رشته زبان‌شناسی و نزد اساتید و فارغ‌التحصیلان زبان‌شناسی وجود دارد آگاه کنیم، و دنیا اکنون از این مسئله استفاده می‌کند و نشانه آن هم وجود کتاب زبان‌شناسی زیست‌محیطی است. راهکار دیگر این است که ما سعی کنیم تا حدی که می‌توانیم پا پیش بگذاریم و منتظر نماییم که دیگران به سراغ ما بیایند؛ با نوشتن مقالات مختلف در روزنامه‌ها و حتماً هم لازم نیست که مقاله علمی-پژوهشی باشد، بلکه می‌تواند در روزنامه‌ها و مصاحبه‌ها باشد. مخاطبان در اینجا هم مردم هستند و هم مسئولینی که بخشی از مردم هستند. اینجا می‌توانیم پیامان را به صورت عمومی برسانیم. در کنفرانس، ابزار تخصصی است و افراد عادی شرکت نمی‌کنند، فقط علاقه‌مندان به آن رشته و متخصصین آن رشته شرکت می‌کنند، اما این راهکار یک راهکار عمومی است.

عمومی‌تر از آن، این است که رادیو و تلویزیون ما نقش محوری داشته باشد؛ از زبان‌شناسان و فارغ‌التحصیلان زبان‌شناسی و اساتید زبان‌شناسی دعوت کند و با آن‌ها قرارداد ببندد. این‌ها مطلب تهیه کنند و آن گزاره‌های مدنظر ما که جنبه فرهنگی‌سازی دارد را آماده کنند و آن‌ها در رادیو و تلویزیون به صورت تک‌نوشته‌ها گرفته تا ساخت سریال و فیلم سینمایی در سطح کودکان و بزرگسالان با محتوای زبان‌شناختی، و ایجاد تفکر مسئولیت‌پذیری در رابطه با محیط زیست، ارائه دهند.

آموزش و پرورش، بخش مربوط به تدوین کتب درسی، یکی از جاهایی است که مسئول است این فرهنگ را ایجاد کند. باید در لابه‌لای آن درس‌ها یا درس‌های مستقل در هر سال درس‌های مربوط به محیط زیست را به گونه‌ای معرفی کند. این نحوه معرفی کردن، کار زبان‌شناس است؛ یعنی تدوین آن بخش از متون کتب درسی وظیفه زبان‌شناس است، که در کنار کسی که کتاب درسی تجربی را می‌نویسد یک زبان‌شناس به عنوان همکار حضور داشته باشد و بتواند از این لایه وارد شود. دانشگاه تربیت مدرس در این زمینه پیش‌تاز بوده، و فصلی از کتاب زبان‌شناسی کاربردی به زبان‌شناسی زیست‌محیطی اختصاص یافته است، و این دانشگاه آمادگی آن را دارد که کارگاه‌هایی برای دانشجویان دیگر دانشگاه‌ها برگزار نماید. مسئله محیط زیست مسئله‌ای نیست که یک مسئول به

تنهایی بتواند انجام دهد بلکه باید همه دست به دست هم بدهیم. ما حاضریم که علم و تجربه خودمان را به همراه همه دانشجویان در خدمت جامعه قرار دهیم.

